

مروری بر مطالعات خط‌مشی‌گذاری مشارکت شهروندی در حوزه محیط‌زیست با تأکید بر ضرورت آموزش پایه و همگانی

مهدی احمدی تنکابنی^۱ نادر شیخ‌الاسلامی کندلوسی*^۲ مسعود احمدی^۳

چکیده

مسائل و مشکلات زیست‌محیطی و تلاش در جهت بهبود شرایط زیست برای انسان‌ها و سایر جانداران از مهم‌ترین چالش‌هایی است که کشورهای رو به توسعه‌ای مانند ایران با آن دست‌به‌گریبان می‌باشند. در چنین شرایطی باید پذیرفت که دولت‌ها به‌تنهایی قادر به حل تمامی مشکلات و آسیب‌های وارده به محیط‌زیست نمی‌باشد؛ لذا باید برخی وظایف و مسئولیت‌ها بین دولت و شهروندان تقسیم شود و مردم از ناظران منفعل به شهروندان مسئولیت‌پذیر برای بهبود شرایط منابع محیط‌زیست زندگی خود، تبدیل شوند. در چنین شرایطی دولتمردان، تصمیم‌گیران و مدیران سطح بالای نظام در کنار مردم چاره‌ای جز هم‌راستایی، مشارکت و فعالیت‌های تعاملی در جهت کاستن از مصائب زیست‌محیطی و بهبود شاخص‌های زیست‌محیطی به‌منظور نجات از چنین وضعیتی نخواهند داشت. این تعامل و همکاری تنها در سایه آموزش پایه و همگانی آحاد جامعه، مدیران و مسئولین و توسل به اصول توسعه پایدار قابل تحصیل می‌باشد. عدم وجود آگاهی و دانش سیستماتیک در این زمینه در میان مدیران و تصمیم‌گیران کلان‌کشوری، یکی از بزرگترین مشکلات و چالش‌ها در این حوزه است؛ از این‌رو پژوهش حاضر به‌عنوان مطالعه‌ای توسعه‌ای و درعین‌حال کاربردی، درصدد بررسی مقالات موجود در این زمینه است. همچنین با توجه به اهمیت برنامه‌ریزی‌های زیست‌محیطی و آموزش مشارکت عموم در توسعه حفاظت از آن در برنامه‌های اقتصادی، به‌دنبال طراحی الگوی خط‌مشی‌گذاری مشارکت شهروندی در حوزه محیط‌زیست است.

واژگان کلیدی: خط‌مشی‌گذاری، آموزش مشارکت، مشارکت شهروندی، خط‌مشی‌گذاری زیست‌محیطی

^۱ دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی گرایش خط‌مشی‌گذاری، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.
m.a.tonkaboni@ut.ac.ir

^۲ استادیار، گروه مدیریت دولتی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
Nader.shk@gmail.com

^۳ استادیار، گروه مدیریت دولتی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.
m.ahmadi4502@gmail.com

مقدمه

بسیاری از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که موضوع «خط‌مشی‌گذاری» به‌عنوان یک رشته علمی مستقل باید مورد بحث و بررسی قرار گیرد. عمده مطالعات صورت گرفته در این زمینه، خط‌مشی‌گذاری را از منظر فرآیندی مورد توجه قرار داده و آن را در قالب مراحل معین و مرتبط با یکدیگر معرفی کرده‌اند؛ اما باید دقت داشت که «رویکرد فرآیندی» به خط‌مشی‌گذاری با «رویکرد محتوایی» به آن منافاتی ندارد. مطالعه موضوع خط‌مشی‌گذاری بدون توجه به محتوای مسائل آن، فایده عملی چندانی در پی نخواهد داشت. به عبارت دیگر خط‌مشی‌ها در نتیجه بروز مسائل عمومی، تولید می‌شوند؛ لذا می‌توان انواع خط‌مشی‌ها را به تفکیک محتوای مسائلی که در پی حل آن‌ها برمی‌آیند، تقسیم‌بندی نمود. «شفریتز» از صاحب‌نظران این رشته در کتاب «مقدمه‌ای بر خط‌مشی‌گذاری»، رویکرد محتوایی را به‌جای رویکرد فرآیندی در بررسی خط‌مشی‌گذاری انتخاب کرد. وی خط‌مشی‌ها را در قالب ۸ طبقه متناسب با محتوای مسائلمان به‌شرح ذیل تقسیم‌بندی نمود (شفریتز^۱، ۲۰۰۸؛ ص ۲۳۰):

۱) خط‌مشی‌های اقتصادی

۲) خط‌مشی‌های تعلیم و تربیت

۳) خط‌مشی‌های زیست‌محیطی

۴) خط‌مشی‌های رفاه عمومی

۵) خط‌مشی‌های حقوق مدنی

۶) خط‌مشی‌های دفاع ملی

۷) خط‌مشی‌های عدالت جزایی

۸) خط‌مشی‌های سلامت و بهداشت عمومی

یکی از انواع خط‌مشی‌های مورد توجه شفریتز، «خط‌مشی‌های زیست‌محیطی» است. قابل ذکر است طبقه‌بندی مذکور مورد تأیید بسیاری از محققان می‌باشد (فیرسوا^۲، ۲۰۰۷؛ هگل اند^۳، ۲۰۰۳؛ تورس^۴، ۲۰۰۹)؛ لذا به‌صراحت می‌توان گفت که مسائل زیست‌محیطی از انواع بسیار مهم و بارز مسائل عمومی دولت‌ها هستند و تردیدی در این خصوص وجود ندارد.

خط‌مشی عمومی تحت تأثیر عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی، عوامل آموزشی جامعه، عوامل نظام سیاسی و ساختارهای رسمی حکومتی قرار دارد. فرایند خط‌مشی‌گذاری بر محیط اطراف خود (عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی) تأثیر می‌گذارد و از آن متأثر می‌شود؛ در واقع خط‌مشی‌ها محصول محیط سیاسی، ارزش‌ها و ایدئولوژی، قدرت، اصول نهادینه‌شده و فرایندهای تصمیم‌گیری هستند (بارت و همکاران، ۱۹۸۱؛ ص ۵۴۷).

¹ Shafiritz

² Firsova

³ Heggelund

⁴ Torres

مشارکت شهروندان از پیش‌نیازهای اساسی برای موفقیت برنامه‌ها و به‌ثمر رسیدن تلاش‌ها و خط‌مشی‌ها می‌باشد. نقش شهروندان در خط‌مشی‌گذاری‌ها از مرحله تدوین تا اجرا، یکی از مؤلفه‌های اساسی و لازم برای رسیدن به توسعه پایدار است. از سوی دیگر نتایج تحقیقات انجام‌شده نشان می‌دهند که تصمیم‌سازی بدون در نظر گرفتن نظرات حقیقی شهروندان و دیدگاه‌های آن‌ها، به ناکارآمدی تصمیمات اتخاذشده خواهد انجامید (پورتنی، ۲۰۰۵؛ ص ۵۸۲).

کشور ایران از این امر مهم مستثنا نمی‌باشد. توجه به آمار و ارقامی مانند گزارش وضعیت کشورهای جهان در زمینه شاخص عملکرد زیست‌محیطی در سال ۲۰۱۶ که رتبه ۱۰۵ از میان ۱۶۸ کشور موجود در لیست و در بخش زرد آن به معنای کشورهای درگیر مسائل زیست‌محیطی گسترده را نشان می‌دهد، مبین این موضوع می‌باشد. از طرفی بنا بر آمارهای رسمی بین‌المللی، محیط‌زیست در ایران به شدت نیاز به توجه و تغییر در دیدگاه‌ها و اعمال رویکردهای جدی‌تر به منظور محافظت و بهبود شرایط دارد. مبتنی بر چشم‌انداز مطرح‌شده برای سال ۱۴۰۴ کشور و خط‌مشی‌های مرتبط با آن، قرار است که ایران رتبه برتر را در حیطه شاخص‌های متفاوت اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی کسب نماید؛ اما نگاهی به شاخص عملکرد زیست‌محیطی نشان می‌دهد که در میان ۲۴ کشور منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، جایگاه ایران به لحاظ عملکردی در رتبه بسیار ضعیف (جایگاه ۱۸) می‌باشد (اسماعیلی فرد و همکاران، ۱۳۹۶؛ ص ۱۵) محیط‌زیست ایران را انواع و اقسام مسائل و مشکلات مورد تهدید قرار می‌دهند که بخش عمده‌ای از این مسائل ناشی از فعالیت‌های انسانی و بخش اندکی نیز ناشی از پدیده‌های طبیعی می‌باشد. در این راستا دخالت انسان در محیط‌زیست و اثرات منفی آن به‌خوبی خود را در شرایط فعلی محیط‌زیست ایران نشان می‌دهند؛ برای مثال می‌توان به آتش‌سوزی‌های پی‌درپی در عرصه‌های جنگلی (به‌طور متوسط سالانه ۳۵ هزار هکتار از عرصه‌های جنگلی کشور دچار آتش‌سوزی می‌شود)، پدیده ریزگردها (سالانه ۱۷ استان کشور را درگیر نموده و بحرانی ملی قلمداد می‌شود) (باباوغلی، ۱۳۹۲؛ ص ۷۲)، نابودی حیات رودخانه‌ها به‌واسطه ورود فاضلاب انسانی و صنعتی و تخریب حریم رودخانه‌ها (آلودگی اکولوژیک خلیج فارس به دلیل تردد سالانه ۳۰ هزار کشتی در آن و نابودی تدریجی حیات دریا خزر به دلیل ورود انواع فاضلاب)، نابودی تالاب‌ها و دریاچه‌های آب شیرین داخل کشور و آسیب‌های وارده به آن‌ها که به مرز بحران و نزدیکی به نقطه بدون بازگشت رسیده‌اند. (بهبودی و همکاران، ۱۳۹۳؛ ص ۴۸). البته عواملی مانند قرار گرفتن ایران در منطقه‌ای خشک و نیمه‌خشک، بروز خشکسالی‌های بلندمدت، افزایش فشار بر منابع طبیعی، رویکردهای سنتی و نامناسب کشاورزی، فعالیت‌های صنعتی به‌خصوص در حیطه نفت و گاز، فعالیت‌های صنعتی به‌جهت توسعه زندگی شهری، آلودگی‌های ناشی از فعالیت‌های صنعتی^۲ و تغییرات شدید آب و هوایی جهانی (کرمانی و همکاران، ۱۳۹۸؛ ص ۱۲) نیز بر تشدید این مسئله تاثیرگذار هستند.

در چنین شرایطی دولتمردان، تصمیم‌گیران و مدیران سطح بالای نظام در کنار مردم چاره‌ای جز هم‌راستایی، مشارکت و فعالیت‌های تعاملی در جهت کاستن از مصائب زیست‌محیطی و بهبود شاخص‌های زیست‌محیطی به‌منظور نجات از چنین وضعیتی نخواهند داشت. یکی از اساسی‌ترین امور برای حل این مشکلات عبارت است از افزایش آگاهی، اطلاعات و فرهنگ‌سازی. با توجه به اینکه از بارزترین مصادیق منفعت عمومی، توجه به ملاحظات زیست‌محیطی و

^۱ EPI, 2016. لازم به ذکر است که این گزارش، ده‌ساله بوده و رتبه‌بندی بعدی در سال ۲۰۲۶ معین خواهد شد.

^۲ مبتنی بر آمار ارائه‌شده از سوی سازمان جهانی بهداشت در سال ۲۰۱۵، به سبب کیفیت نامطلوب هوا در سرتاسر کشور از میان ۹۱ کشور مورد بررسی، در جایگاه ۸۶ ام قرار گرفت. آلاینده‌های هوا، تنها در تهران منجر به مرگ سالانه بیش از ۵،۵۰۰ نفر بر اثر بیماری‌های قلبی و عروقی و تنفسی می‌شوند.

برنامه‌ریزی بلندمدت آن در قالب خط‌مشی‌گذاری‌های استراتژیک می‌باشد؛ با استراتژی‌های آموزشی مناسب می‌توان دانش و آگاهی جامعه در زمینه محیط‌زیست را افزایش و نگرش جامعه را در راستای حفظ آن تغییر داد. در واقع در کنار اهمیت آموزش مشارکت مردمی در فعالیتهای حفاظت از محیط‌زیست از یک‌سو و وضعیت نامطلوب زیست‌محیطی کشور از سوی دیگر، ضلع سوم مثلث، نقش و اهمیت برنامه‌ریزی‌های دولتی بلندمدت در حوزه محیط‌زیست می‌باشد. قابل‌ذکر است که مسائل زیست‌محیطی به دلیل تأثیر حیاتی بر آحاد جامعه از جایگاه خاصی در ادبیات نظری مدیریت دولتی و خط‌مشی‌گذاری عمومی برخوردارند؛ لذا، دست‌اندرکاران امور محیط‌زیستی با عنایت به نقش بی‌بدیل عامل انسانی، همواره باید در پی بهره‌برداری بهینه از مشارکت عمومی مردم در طرح‌ها و برنامه‌های محیط‌زیستی و حتی فرایند خط‌مشی‌گذاری محیط‌زیستی در راستای توسعه منافع عمومی باشند (اصلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۳؛ ص ۶۸). این تعامل و همکاری تنها در سایه توسل به اصول توسعه پایدار، قابل‌تحصیل می‌باشد. «گودا» مفهوم توسعه پایدار را چنین تعریف می‌کند: توسعه اقتصادی رو به رشد و متعادل همراه با گسترش برابری و عدالت اجتماعی و پایداری زیست‌محیطی در کنار یکدیگر به‌منظور بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی مردم (گودا^۱ و همکاران، ۲۰۱۸؛ ص ۴۸).

همزمان با افزایش محبوبیت و مقبولیت توسعه پایدار و دیدگاه‌های موجود در بطن آن، به‌تدریج برداشت برنامه‌ریزان و خط‌مشی‌گذاران دولتی از مفهوم توسعه، دچار تحولاتی گردید. بدین‌صورت تحقق مشارکت عمومی را تنها راهکار توسعه جوامع پنداشتند (اینمن^۲، ۲۰۱۳؛ ص ۲۱). این امر تا آنجا پیش رفت که خط‌مشی‌گذاران عامل اصلی حصول موفقیت طرح‌ها، برنامه‌های تدوین و اجرا را مشارکت فعالانه مردم در بخشی از مراحل، قلمداد کردند (آی ان جی او^۳، ۲۰۰۹)؛ لذا عدم توجه به ارتقاء سیستماتیک مشارکت مردمی در خط‌مشی‌گذاری‌های عمومی، منجر به بروز پیامدهای منفی به‌خصوص در حیطه محیط‌زیست گردیده است. بدین‌جهت هماهنگی و هم‌راستایی میان دولت، سازمان‌های درگیر در مسائل محیط‌زیست و مردم در امر حفاظت و حراست از محیط‌زیست الزامی می‌باشد. در پژوهش حاضر تلاش می‌شود که با استفاده از مقالات موجود مرتبط با این حوزه، تصویری از مطالعات صورت گرفته در حوزه خط‌مشی‌گذاری عمومی در بخش محیط‌زیست ارائه شود:

خط‌مشی

هنوز تعریف جامع و همه‌پسندی از مفهوم «خط‌مشی عمومی» ارائه نشده است. همچنین مشخص نیست که چگونه باید آن را تبیین نمود. مسئله مذکور بدین‌علت است که نیروها و عوامل تأثیرگذار و تأثیرپذیر بسیاری در فرایند خط‌مشی‌گذاری دخیل می‌باشند. لغت‌نامه آنالین مریام وبستر (۲۰۱۸) خط‌مشی را چنین تعریف می‌کند: سبک یا شیوه‌ای از فعالیت که از میان متغیرهای مختلف انتخاب شده و در شرایط معینی برای راهنمایی و اتخاذ تصمیم در زمان حال و آینده مورد استفاده قرار می‌گیرد.

¹ Gouda

² Inman

³ INGO

پریویت و اوپلا^۱ خط‌مشی عمومی را یک تصمیم پایدار می‌دانند که موجب هماهنگی در عملکردهای عمومی می‌شود. از نظر بوچهلز^۲ خط‌مشی عمومی عبارت است از تصمیمات و خط‌مشی‌هایی که به وسیله مراجع مختلف بخش عمومی مانند مجلس، دولت و قوه قضائیه که نماینده حفظ منافع عمومی جامعه هستند، اتخاذ می‌شوند. اندرسون^۳ نیز خط‌مشی عمومی را سلسله‌اقداماتی هدفدار توصیف می‌کند که توسط فرد یا گروهی از افراد قدرتمند و دارای مشروعیت خط‌مشی‌گذاری برای مقابله و رفع یک مشکل عمومی، شکل می‌گیرد. از نظر دای، سیاست عمومی (خط‌مشی) به تمامی کارها و موضوعاتی اطلاق می‌شود که دولت‌ها انتخاب می‌کنند تا انجام بدهند یا انجام ندهند (توماس دای، ۲۰۱۶؛ ص ۶۳).

«خط‌مشی‌گذاری زیست‌محیطی» به عنوان زیرمجموعه سیاست‌گذاری عمومی دولت می‌باشد؛ در واقع مجموعه‌ای همگون و هماهنگ با سیاست‌های کلان حکومتی است که دغدغه اصلی آن، مرتفع‌شدن مشکلات ناشی از مسائل زیست‌محیطی در عرصه فضای سیاسی و اجتماعی حاکم می‌باشد. خط‌مشی‌گذاری در حوزه‌های تحت‌قدرت سیاسی به صورت متنوع و عموماً ناهمگون است. درحالی که یک خط‌مشی در حوزه مسائل صنعت، اقتضای آن را دارد که صرفه اقتصادی و حداکثر بهره‌وری در طراحی آن خط‌مشی را مدنظر قرار دهد؛ بدین‌لحاظ به تولید حداکثری از کمترین منابع اندیشیده می‌شود. رعایت غبطه محیط‌زیست در یک سیاست‌گذاری زیست‌محیطی، اقتضاء آن را دارد که سلامت محیط را حفظ کند تا طبیعت فدای تولید بیشتر نشود. نکته اینجاست که سیاست‌گذاری کلان کشوری باید به گونه‌ای طراحی و اجرا شود که تمام ملاحظات و نگرانی‌ها مدنظر قرار گیرند، توسعه اقتصادی قرین سلامت محیط طبیعی باشد، گسترش حوزه‌های فیزیکی تولید علم در کنار کیفیت‌افزایی باشد و ترویج تکنولوژی همگام با فرهنگ‌سازی استفاده از آن باشد؛ در یک کلام، تمام خواسته‌های عمومی و سیاست‌های دولتی در دو کفه ترازو و در تعادل باشند. ناگفته پیداست که سیاست‌گذاری در هر حوزه‌ای مستلزم شناخت بایسته‌های مستتر در جغرافیای فکری و پارادایم علمی آن حوزه است (رحیمی، ۱۳۹۲؛ ص ۳۴).

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، «خط‌مشی‌گذاری» فرآیند حل مسئله عمومی است؛ لذا می‌توان مراحل خط‌مشی‌گذاری را متناظر با مراحل حل مسئله برشمرد. با این تفاسیر، فرایند خط‌مشی‌گذاری شامل مراحل مشخص و جداگانه‌ای به شرح ذیل می‌باشد که در حوزه محیط‌زیست می‌باید لحاظ گردند:

(۱) تدوین خط‌مشی‌های زیست‌محیطی

(۲) اجرای خط‌مشی زیست‌محیطی

(۳) ارزیابی خط‌مشی

¹ Prewitt & Eulau

² Buchholz

³ Anderson

⁴ Day

خط‌مشی‌گذاری در جدول شماره (۱) به ۵ مرحله تقسیم گردید که ۳ مرحله نخست آن، زیرمجموعه مراحل تدوین خط‌مشی عمومی محسوب شده و در واقع بسط‌یافته مرحله تدوین هستند.

جدول ۱: تناظر فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی و فرآیند حل مسئله

مراحل خط‌مشی‌گذاری	تناظر با مراحل حل مسئله	بازیگران هر مرحله
دستور کارگذاری خط‌مشی	شناخت مسئله	کل جامعه تأثیرپذیران خط‌مشی
شکل‌گیری خط‌مشی	ارائه راه‌حل‌های پیشنهادی	ذی‌نفعان مستقیم خط‌مشی
تصمیم‌گیری	راه‌حل نهایی	دولت
اجرای خط‌مشی	اجرا و جرح و تعدیل راه‌حل	ذی‌نفعان مستقیم خط‌مشی
ارزیابی خط‌مشی	کنترل و نظارت بر نتایج	کل جامعه تأثیر پذیران خط‌مشی

(منبع: هاوالت و رامش، ۲۰۰۹)

خط‌مشی‌های زیست‌محیطی معمولاً میان‌بخشی هستند؛ بدین معنا که سازمان‌های دولتی گوناگونی هرکدام مسئولیت بخشی از مسائل زیست‌محیطی را برعهده دارند. با توجه به مسئله مذکور، طراحی و اجرای خط‌مشی‌های زیست‌محیطی نیازمند توجه به ابعاد بخشی و اقتصادی است. این یکپارچگی می‌بایست هم به لحاظ عمودی و هم به صورت افقی وجود داشته باشد؛ لذا باید مسائل حوزه محیط‌زیست را با اتخاذ تمهیداتی به‌گوش مسئولان و خط‌مشی‌گذاران رساند تا برای آن، تدبیری اتخاذ گردد. تدابیری که بتوان با آن‌ها، راه‌حل مشکلات این حوزه را مرتفع نمود و از تکرار مشکلات جلوگیری کرد. خط‌مشی‌گذاران دولتی آن‌چنان درگیر مسائل و مشکلات پیچیده دیوانی هستند که به‌ندرت می‌توان مسائل تازه را دایره دید آن‌ها قرار داد. بدیهی است که در نظام‌های مردم‌سالار که راه‌های اعلام مسئله به مراتب آسان‌تر می‌باشد و دلیل آن، نقش پررنگ افکار عمومی در شکل‌گیری هنجارهای اجتماعی است؛ سیستم سیاسی حاکم نیز در پی خواست عمومی، مسائل را زودتر در دستور کار سیاستی خود قرار می‌دهد.

مشارکت عمومی

مشارکت در حیات اجتماعی انسان سابقه‌ای کهن و دیرینه دارد؛ در واقع ایده‌ای است که بازتاب نظریه‌های اجتماعی و سیاسی در خصوص اینکه جوامع چگونه باید سازماندهی شوند، می‌باشد. همچنین منطبق آن مبتنی بر واکنش در برابر تمرکزگرایی، دیوان‌سالاری، انعطاف‌ناپذیری و در دسترس نبودن دولت است. در زمینه مشارکت عمومی در امور مربوط به حاکمیت، رابرتز (۲۰۰۸) اعتقاد دارد که مشارکت شهروندی، فرآیندی است که در آن اعضای جامعه (فاقد پست، مقام‌های اداری و دولتی) در قدرت اتخاذ تصمیمات اساسی و انجام اقدامات مربوط به جامعه با صاحب‌منصبان دولتی و حکومتی سهیم می‌شوند. این فرآیند شامل افرادی است که در غالب مجموعه‌ای از ذی‌نفعان، نهادها و شبکه‌ها

¹ Hawlett & Ramesh

با یکدیگر مشورت نموده و اقدام جمعی می‌کنند تا هویت مدنی خود را توسعه داده و در فرآیندهای حاکمیت دخیل باشند (برادباری و همکاران^۱، ۲۰۱۲؛ ص ۵۶۰).

مشارکت شهروندی

کالاهاان به تعامل بین شهروندان و مدیریت شهر که بیشتر حول محورهایی همچون خط‌مشی‌گذاری و ارائه خدمات شهری است، به‌مثابه مشارکت شهروندی می‌نگرد. این دیدگاه، نگاهی متفاوت از مشارکت سیاسی شهروندان است که بر حق رأی و انتخاب مسئولان شهری توسط مردم تأکید دارد. در نظر او، مشارکت شهروندان تأثیر مستقیم و بدون واسطه‌ای بر شکل‌گیری خط‌مشی‌های مربوط به شهر و اجرای آن‌ها دارد. همچنین به شهروندان به‌عنوان یکی از پایه‌های اصلی حکومت نگریسته می‌شود (کالاهاان^۲، ۲۰۰۷؛ ص ۱۱۸۱). از مشارکت شهروندی تعاریف متفاوتی ارائه شده‌است؛ وبستر مشارکت شهروندی را به‌مثابه شرکت فعال شهروندان در زمینه‌های گوناگون حکمرانی و امور مربوط به اداره جامعه شهری معرفی می‌کند (رابرتز^۳، ۲۰۰۴؛ ص ۳۱۹). به عبارت دیگر مشارکت مدنی^۴ به‌معنی مشارکت مردم در تدبیر و چاره‌جویی برای امور عمومی، با توجه به یک‌سری منافع و اولویت‌ها در قالب نهادها و شبکه‌ها است. قابل‌کر می‌باشد که این نوع از مشارکت به توسعه هویت شهروندی کمک کرده و شهروندان را در روند حکمرانی سهیم می‌نماید (کوپر^۵، ۲۰۰۵؛ ص ۵۳۴). البته مشارکت شهروندی ممکن است برای افراد متفاوت دارای معانی گوناگونی باشد. در زمینه توسعه محلی نیز می‌توان مشارکت را به سهیم‌کردن طیف وسیعی از ذی‌نفعان در کل روند توسعه دانست؛ روندی که شامل شناسایی مسائل و مشکلات، تشخیص راه‌حل‌ها و به‌کار بستن استراتژی‌های مناسب است (بوان^۶، ۲۰۰۸؛ ص ۶۶).

اهمیت مشارکت شهروندان تا آنجاست که برخی صاحب‌نظران، آشوب‌های دهه ۶۰ آمریکا را به‌علت عدم توجه به نظرات بخشی از شهروندان آمریکایی به‌خصوص اقلیت‌های خاص مانند سیاه‌پوستان، می‌دانند. (کانینگهام^۷، ۱۹۷۶؛ ص ۲۷۷).

توسعه پایدار

توسعه پایدار شکلی از توسعه است که در آن، رفاه برای نسل امروز منجر به کاهش رفاه نسل آینده نمی‌شود. همچنین محیط‌زیست در این رویکرد از اهمیت بالایی برخوردار است (دانایی‌فرد، ۱۳۹۶؛ ص ۱۳).

¹ Bradbury & Williams

² Callahan

³ Roberts

⁴ Civic Engagement

⁵ Cooper

⁶ Bowen

⁷ Cunningham

آموزش و محیط‌زیست

دانش محیط‌زیست هم در ارتباط با علوم فیزیکی و علوم تجربی است و هم با علوم اجتماعی و انسانی همبستگی و ارتباط ناگسستنی دارد. به عبارت دیگر چون محیط‌زیست به‌عنوان محیط زندگی دربرگیرنده انسان بوده و با او در ارتباط و کنش-واکنش دائم هستند؛ اغلب دانش‌ها به‌نحوی به این دو ربط پیدا می‌کنند. از طرفی آموزش، مؤثرترین ابزار و شیوه افزایش آگاهی فرد در مواجهه با مسائل و معضلات جامعه است. آموزش جهان فرد را شکل می‌دهد. آگاهی و درک عمومی افراد نیز به حرکت درآورنده تغییرات مثبت پایدار در محیط‌زیست است. آموزش محیط‌زیست به‌دنبال پرورش افرادی فعال و آگاه در خصوص مسائل و مشکلات محیط‌زیست و پذیرش مسئولیت در برابر حفاظت از آن است. آموزش باید شناخت افراد را نسبت به واکنش‌های متقابل فیزیکی، بیولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی محیط‌زیست، وابستگی و ارتباطات پیچیده توسعه اجتماعی-اقتصادی و بهبود محیط‌زیست را افزایش دهد (می‌بودی، ۱۳۹۰؛ ص ۳).

تاریخچه مشارکت عمومی

در سه‌دهه اول قرن بیستم، رشد تمایل به مشارکت شهروندان در امور عمومی سرعت بیشتری یافت. در این راستا مشارکت در برنامه‌های داوطلبانه برای بهبود محیط شهری را می‌توان از نشانه‌های این روند برشمرد. در دهه‌های میانی قرن بیستم نیز برنامه‌هایی مبارزه با فقر و برنامه‌های نو سازی شهری، اجرا شدند که نیازمند مشارکت شهروندان بودند. قبایل ذکر است که در نیمه اول قرن بیستم، مردم به مقامات حکومتی برای انجام امور تکیه داشتند؛ اما طی دهه‌های پایانی قرن بیستم شاهد افزایش مشارکت شهروندی مستقیم بوده‌ایم که تلاش‌های زیادی در این زمینه انجام پذیرفته‌اند (دیکسون^۱، ۱۳۹۰؛ ص ۶۹).

از دهه ۱۹۷۰ شاهد رشد چشمگیر تمایل نسبت به مشارکت شهروندی هستیم. این امر در دهه‌های بعدی نیز ادامه داشت، به‌طوری که امروزه انجمن‌ها و نهادهای مختلفی در زمینه مشارکت شهروندی فعال هستند. از آن زمان مفهوم مشارکت به‌عنوان هسته اصلی خط‌مشی‌های عمومی شناخته می‌شود (ابرزولد^۲، ۲۰۰۷؛ ص ۷۳۷)؛ برای مثال تا دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ تصور می‌شد که مسائل زیست‌محیطی، پیچیده‌تر و غامض‌تر از آن هستند که مشارکت عامه مردم را به دست آوردند و در سطح محلی در مورد آن‌ها چاره‌اندیشی شود؛ اما در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ این تفکر تغییر یافت و حکومت‌های محلی، نقش مهم و ویژه‌ای در این زمینه یافتند (پورتنی^۳، ۲۰۰۵؛ ص ۵۹۷).

در حال حاضر شهروندان در عرصه‌های گوناگونی همچون توسعه محلی، جلوگیری از جرم و جنایت، حمل‌ونقل عمومی و برنامه‌ریزی زیست‌محیطی مشارکت فعال دارند (توماس^۳، ۱۹۹۷؛ ص ۴۳۵). مکانیزم‌های مشارکتی که امروزه به‌کاربرده می‌شوند، تلاش دارند که مردم را توانمند ساخته تا بتوانند نقشی فعال و اساسی در اتخاذ تصمیماتی که بر زندگی شان مؤثر است، داشته‌باشند (کورنوال^۴ و همکاران، ۲۰۰۱؛ ص ۳۲).

¹ Dixon

² Ebersold

³ Thomas

⁴ Cornwall

مزایای مشارکت شهروندی

حتی زمانی که خط‌مشی‌گذاران به صورت دموکراتیک انتخاب می‌شوند، بازهم حضور شهروندان آگاه و گروه‌های خودجوش مردمی می‌توانند به کارآمد بودن خط‌مشی‌های مأخوذه کمک کنند (دامکپر^۱، ۲۰۰۴؛ ص ۱۳۳).

مشارکت در سطح فردی، گروهی و اجتماعی دارای منافع گوناگونی است. مشارکت با بهره‌گیری از توان و منابع شهروندان باعث پیدایش آگاهی و بصیرت در میان آن‌ها می‌شود که نتیجه آن، اخذ تصمیمات و خط‌مشی‌های مناسب‌تر برای جامعه می‌باشد. افزون بر این، مشارکت شهروندان به توزیع عادلانه قدرت و منابع و توانمندسازی اقشار ضعیف جامعه کمک می‌کند (بوان، ۲۰۰۸؛ ص ۶۷). تقویت حس تعلق اجتماعی، افزایش اعتماد عمومی و یافتن راه‌های نو برای حل مشکلات پیچیده از نتایج مشارکت شهروندی هستند (دنهارت و همکاران، ۲۰۰۹؛ ص ۱۲۶۹).

مشارکت شهروندان را می‌توان در حوزه‌های گوناگونی مانند مسکن، فضای سبز، حمل‌ونقل درون‌شهری، محیط‌زیست و برنامه‌ریزی شهری مشاهده کرد (علی محسنی، ۱۳۸۳). همچنین روش‌های مشارکتی محله‌محور در حفاظت از محیط‌زیست و به‌خصوص جنگل‌ها از دیگر نمونه‌های موفق در این زمینه هستند (کار و هالورسن^۲، ۲۰۰۱؛ ص ۱۱۷).

روش‌شناسی پژوهش

در پژوهش حاضر با تأکید بر مطالعات داخلی مرتبط با حوزه خط‌مشی‌گذاری عمومی و بخش محیط‌زیست، مطالعه مروری بر مبنای مطالعات کتابخانه‌های و پیشینه مطالعات مرتبط با موضوع صورت گرفت. اطلاعات این بخش در جدول شماره (۲) قابل مشاهده می‌باشند.

جدول ۲: خلاصه پیشینه تحقیقات صورت گرفته

نویسندگان	سال	موضوع پژوهش	مشخصه‌های روش‌شناسی	یافته‌های اساسی
سلیمانی و همکاران	۱۳۹۸	تأثیر مؤلفه‌های دلبستگی به مکان بر مشارکت اجتماعی در حفاظت از محیط‌زیست	توصیفی-پیمایشی نمونه‌گیری منطقه یک شهرداری تهران	۳۶ درصد از تغییرات مثبت مشارکت محیط‌زیستی شهروندان می‌تواند متأثر از مؤلفه‌های هویت و وابستگی مرتبط با دلبستگی به مکان باشد. در این میان مؤلفه هویت، بیش از مؤلفه وابستگی تأثیرگذار است.
رحمان‌پور و همکاران	۱۳۹۷	بررسی نقش آموزش محیط‌زیست جوامع محلی در عملکرد زیست‌محیطی شهروندان	نیمه‌تجربی نمونه‌گیری در دسترس گروه کنترل و آموزش آن‌ها منطقه ۵ شهر تبریز	آموزش زیست‌محیطی شهروندان منطقه ۵ تبریز بر مدیریت پسماند، مصرف بهینه آب، کاهش آلودگی، فضای سبز، مصرف بهینه انرژی و حفاظت از محیط‌زیست دارای تأثیر مثبتی است.

¹ Doamekpor

² Halvorsen&Carr

نویسندگان	سال	موضوع پژوهش	مشخصه‌های روش‌شناسی	یافته‌های اساسی
محمدی و آزادبخت	۱۳۹۷	سنجش مؤلفه‌های مشارکت شهروندی در پایداری زیست‌محیطی	توصیفی-تحلیلی منطقه ۲ شهر اهواز	سطح مشارکت شهروندان در شاخص‌های مهم پایداری زیست‌محیطی مورد سنجش قرار گرفت. بین سطح سنی شهروندان و مشارکت، رابطه عکس وجود دارد. سطح تحصیلات شهروندان نیز با میزان مشارکت ایشان در توسعه پایدار زیست‌محیطی، رابطه‌ای مستقیم دارد.
ارمغان	۱۳۹۷	راهبردهای افزایش مشارکت مردمی در ارتقاء شاخص‌های زیست‌محیطی نواحی روستایی	توصیفی-پیمایشی مدل SWOT دهستان‌های بخش مرکزی ملارد	آموزش و اطلاع‌رسانی به روستائیان و تغییر الگوی مصرف به ترتیب به‌عنوان مؤثرترین و کم‌تأثیرترین عامل در بهبود مشارکت‌های مردمی جهت رفع مشکلات زیست‌محیطی منطقه می‌باشند.
کفاش‌زاده	۱۳۹۶	زمینه‌های مشارکتی مؤثر جهت مشارکت سازمان‌های غیردولتی در فرایند خط‌مشی‌گذاری محیط‌زیستی	نمونه‌گیری در دسترس استان تهران	سازمان‌های غیردولتی محیط‌زیستی می‌توانند با مشارکت در ایجاد تصمیمات محیط‌زیستی و نظارت و ارزیابی تصمیمات پس از اجرا، نقش مؤثری در فرایند خط‌مشی‌گذاری محیط‌زیستی داشته‌باشند.
گلداری و همکاران	۱۳۹۶	طراحی چارچوب مفهومی درگیرسازی ذی‌نفعان در خط‌مشی‌گذاری عمومی	تحلیل کیفی مطالعات کتابخانه‌های و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته	بیان‌کننده عوامل زمینه‌ای، عوامل تسهیلگر و بازدارنده، شناسایی و مواجهه با مسئله عمومی، درگیرسازی ذی‌نفعان در خط‌مشی‌گذاری عمومی، وضع خط‌مشی‌های مطلوب و مؤلفه‌های ۲۱ گانه‌ای نظیر شناخت و درک مسئله عمومی، شناسایی آثار و پیامدهای مسئله عمومی، شناسایی ذی‌نفعان، تجزیه و تحلیل ذی‌نفعان، تعیین سطح اهمیت و اولویت‌بندی ذی‌نفعان، انتخاب استراتژی درگیرسازی ذی‌نفعان، رضایتمندی ذی‌نفعان و...
ملکی و سروستان	۱۳۹۵	مشارکت شهروندان در خدمات و محیط‌زیست نواحی شهری	توصیفی-تحلیلی، پیمایشی نمونه‌گیری شهرستان باغملک	بین مشارکت شهروندان و آگاهی آن‌ها در اداره امور شهر، بین مشارکت شهروندان و جنس و تحصیلات شهروندان و درنهایت بین مشارکت شهروندان و خدمات شهری، رابطه معناداری و بین سن و مشارکت شهروندان در اداره امور شهری، عدم رابطه معنادار اثبات شده‌است.
اصلی‌پور و شریف‌زاده	۱۳۹۴	راهبرد سیاست‌گذاری زیست‌محیطی کشور در بستر نظریات متعارف تصمیم‌گیری عمومی	نظریه داده‌بنیاد مصاحبه	بارزترین مصادیق «منفعت عمومی» توجه به ملاحظات زیست‌محیطی در ارائه خدمات عمومی می‌باشد. شرایط موجود خط‌مشی‌گذاری زیست‌محیطی کشور تحت تأثیر دوگانگی‌های «حفاظت-بهره‌برداری»، «ساختار-کارکرد» و «دانش-کنش» می‌باشد. همچنین کارآمدی برخی مدل‌ها و رویکردهای خط‌مشی‌گذاری عمومی به دلیل ماهیت و اقتضائات اقلیمی و سیاسی حوزه محیط‌زیست کشور در مقایسه با سایر الگوهای طرح‌شده، بیشتر است.

نویسندگان	سال	موضوع پژوهش	مشخصه‌های روش‌شناسی	یافته‌های اساسی
اصلی پور و همکاران	۱۳۹۳	تبیین الگوی بومی تدوین خط‌مشی‌های زیست‌محیطی کشور با استفاده از نظریه داده‌بنیاد	مصاحبه نیمه‌ساختاریافته	بازیگران زیست‌محیطی به‌منزله وجود شرایط علی در تدوین خط‌مشی زیست‌محیطی از طریق راهبرد «کنش‌های زیست‌محیطی» به مقوله محوری پژوهش مرتبط می‌شوند. همچنین «ابرخط‌مشی‌های زیست‌محیطی» به‌منزله عوامل مداخله‌گر و عوامل زمینه‌ای «نرم» و «سخت» به‌عنوان مؤلفه‌های بسترساز، تدوین خط‌مشی‌های زیست‌محیطی را تسهیل می‌کنند.
محمدی و همکاران	۱۳۹۲	مشارکت شهروندان در امور شهری و عوامل مؤثر بر آن در بین شهروندان	نمونه‌گیری سنندج	رابطه معناداری بین متغیرهای میزان رضایت از عملکرد شهرداری، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، تعلق به محله زندگی، استفاده از رسانه‌های جمعی، آگاهی از نحوه تهیه و اجرای طرح‌های توسعه شهری، اعتماد به مدیران شهری، عضویت در انجمن‌های محله‌ای، سن و جنس وجود دارد.
حسینی و همکاران	۱۳۹۲	پایداری شهری بر بنیان توسعه مشارکت شهروندی	پیمایشی علی-همبستگی نمونه‌گیری سبزوار	(۱) میان نوع تصرف واحد مسکونی (احساس مالکیت) و علاقه شهروندان به مشارکت در مدیریت شهری، رابطه معناداری وجود دارد. (۲) بین تعداد سال‌های سکونت در شهر/ محله و مشارکت شهروندان در مدیریت برنامه‌ریزی توسعه شهر، رابطه معناداری وجود دارد. (۳) بین متغیر سن شهروندان و مشارکت آن‌ها در فرایند برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های مدیریت توسعه شهر، رابطه معناداری وجود ندارد. (۴) میان سطح تحصیلات شهروندان و تمایل آن‌ها به مشارکت در امور شهر، رابطه معناداری وجود ندارد. (۵) میان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری و سطح همبستگی اجتماعی شهروندان (محله و...)، ایجاد و بهبود احساس تعلق مکانی، افزایش میزان احساس امنیت عمومی و اجتماعی و میزان رضایت‌مندی شهروند از زندگی خود، ارتباط معنادار و مثبتی وجود دارد.
رجبی	۱۳۹۱	شیوه‌های مشارکت شهروندی در فرآیندهای توسعه شهری	نظری بنیادی	دیدگاه‌های فلسفی در زمینه مشارکت مردمی را می‌توان در ۴ دسته نظریه همراه‌ساختن، نظریه مشورتی، مدل یادگیری اجتماعی و نظریه قدرت جامعه خلاصه نمود. همچنین سطوح مختلف مشارکت مردمی در طرح‌های شهری را می‌توان در قالب مشارکت خودانگیخته، مشارکت تعاملی، مشارکت عملکردی، مشارکت به‌خاطر انگیزه‌های مادی و مشارکت انفعالی تقسیم‌بندی کرد.

نویسندگان	سال	موضوع پژوهش	مشخصه‌های روش‌شناسی	یافته‌های اساسی
زاهدی	۱۳۹۱	مدیریت شهری و تبیین مشارکت اجتماعی شهروندان در شهرداری	کتابخانه‌های-اسنادی تجزیه و تحلیل ثانویه	شهرداری‌های کشور می‌توانند با نهادینه‌کردن مشارکت اجتماعی در بین شهروندان، باعث شکل‌گیری ایده «شهرداری به‌عنوان نهاد اجتماعی» گردند.
هاشمیان و همکاران		مشارکت شهروندان در اداره امور شهر	پیمایش مشهد	بین متغیرهای احساس بی‌قدرتی، میزان آگاهی نسبت به مشارکت در امور شهری، سن، شبکه روابط اجتماعی، اعتماد اجتماعی، عضویت انجمنی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، رضایت از عملکرد شهرداری و مشارکت پاسخ‌گویان در امور شهری، رابطه معناداری وجود دارد. همچنین مؤثرترین متغیر بر مشارکت شهروندان در امور شهری، رضایت از عملکرد شهرداری است.
رهنما و رضوی	۱۳۹۱	تأثیر حس تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی و مشارکت	تحلیلی و همبستگی مشهد	رابطه علی غیرمستقیم به‌جهت تقویت حس تعلق مکانی باعث افزایش مشارکت و سرمایه اجتماعی گردد.
زیاری و همکاران	۱۳۸۸	مشارکت شهروندی و نقش آن در مدیریت شهری شهرهای کوچک	پیمایشی شهرهای گلهدار، ورزنه و هیدج	در بُعد ذهنی، تمایل به مشارکت بسیار بالا است؛ زیرا نگرش بسیار مناسبی به مشارکت در این شهرها وجود دارد. همچنین در بُعد عینی، مشارکت از طریق عوامل مشارکت مردم در سازمان‌ها و نهادهای شهری، شرکت در انتخابات اخیر و تعامل با آشنایان سنجیده شد. نتایج نشان دادند که مشارکت مردم در سطح ضعیفی قرار دارد. بین بُعد ذهنی مشارکت به‌عنوان متغیر مستقل و مشارکت مردمی حاصل‌شده، مشخص شد که ارتباط معناداری از بُعد ذهنی مشارکت در این شهرها وجود دارد. همچنین بستر مشارکت در شهرهای مورد مطالعه برای مشارکت در مدیریت شهری بسیار بالا است.
اوهمت چوان و همکاران	۲۰۱۹	درک مسائل مرتبط با مشارکت شهروندی	نمونه‌گیری مصاحبه عمیق مالزی	برخی موانع مشارکت شهروندی مانند وابستگی منابع دولتی، عدم تطابق منافع و... شناسایی شدند.
لی و اسپچاکتر	۲۰۱۹	رابطه بین اعتماد به دولت و نظریه‌های مشارکت شهروندی	نمونه‌گیری تحلیل رگرسیون	افرادی که به مؤسسات دولتی اعتماد دارند، بیشتر رأی می‌دهند. داده‌ها بیانگر این هستند که حمایت محدودی در اعتماد به دولت و منفی-بودن تعداد مشارکت در تجمعات وجود دارد.
آریس کمپاروس و همکاران	۲۰۱۶	مشارکت شهروندان به‌عنوان آیین سیاسی	بیماران سرطانی، بیماران سکنه مغزی و کودکان پیش از موعد متولدشده	عملکرد آیینی در بخش مشارکت عموم و بیماران، پتانسیل تحول بخشی مشارکت شهروندان را خنثی کرده و جامعه‌شناختی وسیع‌تری را برای مشارکت شهروندان در ورای عرصه سلامت ترسیم می‌نماید.

نویسندگان	سال	موضوع پژوهش	مشخصه‌های روش‌شناسی	یافته‌های اساسی
وو و جانگ	۲۰۱۶	حلقه گمشده میان مشارکت شهروندی، رضایت و عملکرد عمومی	مدل معادلات ساختاری سان‌فرانسیسکو	سطوح بالاتر مشارکت شهروندی با رضایت شهروندی مرتبط است. ارزیابی ادراک‌شده از پاسخ‌گویی عملکرد عمومی در مورد خدمات شهرداری دارای نقش میانجی در رابطه مثبت میان مشارکت و رضایت شهروندی است.
گرانسبرندت و لئو	۲۰۱۶	رویکردهای مشارکت شهروندی در سلامت محیط‌زیستی	مطالعه نظری	علم شهروندی و مشاهدات شهروندی دو رویکرد مورد استفاده جهت کاهش پیچیدگی در حل مسائل مرتبط با محیط‌زیست با مداخله شهروندان است که توسط خط‌مشی‌گذاران مورد توجه می‌باشد. در این پژوهش ۵ گام به‌منظور تمرین‌بخشی مشارکت شهروندی ارائه شدند.
کریستی لوهایر	۲۰۱۳	مشارکت کیفی شهروندان در مراکز بهداشت عمومی	ایالت آیوا	متخصصانی که به‌دنبال توانمندسازی مصرف‌کنندگان برای نقش داشتن در خدمت‌رسانی هستند، باید بدانند که چه چیزی موجب تسهیل کیفیت مشارکت شهروندان می‌شود تا مطمئن شوند که مصرف‌کنندگان از صدای مشروع و برحق در فرایندهای توسعه و اجرای خط‌مشی برخوردارند.
فیرنو	۲۰۰۴	مشارکت شهروندی و ریسک محیط‌زیستی	مطالعه بنیادی-نظری	بررسی ۵ مکانیزم سازمانی مشارکت‌دهنده عموم مردم در تأییدهای ایشان در حوزه تصمیمات ریسک‌های محیط‌زیستی از جمله جلسات عمومی، ابتکار عمل، نظرسنجی عمومی، مذاکرات منتج به قوانین و...
اسکوفر و گوریناس	۲۰۰۱	زمینه‌های ساختاری مشارکت مدنی: مطالعه عضویت در انجمن‌های داوطلبانه با دیدگاهی تطبیقی	۳۲ کشور	عضویت در انجمن‌ها تحت تأثیر عواملی مانند تفاوت بین ساختار دولت‌ها، نهادهای سیاسی و فرهنگ سیاسی ملت‌ها است. این متغیرها، میزان مشارکت و نوع انجمن‌هایی که افراد در آن‌ها فعالیت می‌کنند را تعیین می‌نماید.

(منبع: پژوهش حاضر)

یافته‌ها

جدول ۳: ابعاد و مؤلفه‌های هر یک از عوامل الزام‌آور، بسترساز و تسهیلگر

عوامل	ابعاد	مؤلفه‌ها
الزام‌آور	اسناد راهبردی و بالادستی	هدایت و راهبری دستگاه‌های متولی
		ابلاغ سیاست‌ها و قوانین
		ترویج چشم‌انداز مشترک
		وضعیت هم‌راستایی و تعاملات راهبردی در بین دستگاه‌های حاکمیتی
		جهت‌دهی به ترجیحات و انتظارات زیست‌محیطی آحاد جامعه
		خط‌مشی و رویه‌های مبتنی بر دغدغه‌های زیست‌محیطی جامعه
	عوامل زمینه‌ای و مدیریتی	نهادینه‌سازی رویکرد مشارکت عمومی در بین آحاد جامعه در راستای محیط‌زیست
		ذهنیت ارکان حاکمیتی نسبت به رویکرد مشارکت عمومی
		رویکرد مدیریتی
		تعهد مسئولین و مدیران
		اخذ تصمیمات محوری توسط مدیران سازمان
		حمایت مدیران دستگاه‌های متولی
بسترساز	ساختار	ترجیحات و انتظارات مشارکت عمومی مدیران سازمان
		توسعه قابلیت‌های مشارکت عمومی
		انعطاف‌پذیری ساختاری در دستگاه‌های متولی
		طراحی ساختار سازمانی با محوریت تعاملات و ارتباطات مورد نیاز
		رویکرد تیم‌محور در تدوین ساختار و سازمان
		تمرکز بر سازوکارهای غیررسمی و رابطه‌ای
	فرهنگ‌سازی	پاسخ‌گویی دستگاه‌های متولی
		دارا بودن منابع سازمانی
		گسترش مرزهای یادگیری زیست‌محیطی در بین آحاد جامعه
		ترویج نگرش مثبت نسبت به فعالیت‌های مشارکتی در حوزه زیست‌محیطی
		تقویت رفتارهای مطلوب زیست‌محیطی در سطح خرد و کلان کشور
		رفتارهای مدیران مبتنی بر مشارکت عمومی
		تصمیم‌گیری در قالب شبکه‌های ارتباطی
		کمیته‌های تخصصی زیست‌محیطی
		تصمیم‌گیری مشارکتی
		میزان ارتباط با عواملی بیرونی
		توجه به تفاوت‌های فرهنگی و زبانی افراد در سازمان
		چرخه ارتباطی سازمانی و مردمی

عوامل	ابعاد	مؤلفه‌ها
تسهیلگر	تکنولوژی و فناوری اطلاعات	استخراج ایده‌های جدید به صورت پایین به بالا در سازمان در بستر شبکه
		ایجاد توانمندی‌های تکنولوژیک به منظور ارتقاء رویکرد مشارکتی در سازمان
		توانمندی فناوری اطلاعات
		پشتیبانی قوی سیستمی توسط سامانه‌های یکپارچه در سطح مدیریت
		ایجاد کانال‌های ارتباطی در سطح سازمان
		تجهیزات مرتبط در بخش‌های مختلف دستگاه‌ها
		توسعه زیرساخت‌های فناوری

(منبع: پژوهش حاضر)

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس مرور صورت گرفته می‌توان به نقش مدل‌های بومی شده خط‌مشی‌گذاری مشارکت شهروندی در حوزه محیط‌زیست و نیاز کشور به توسعه چنین مدل‌هایی به منظور کارآمدتر نمودن فعالیت‌های دولت‌ها در زمینه محافظت از محیط‌زیست، اشاره داشت.

با توجه به عدم مشاهده مدلی منسجم در زمینه خط‌مشی‌گذاری مشارکت شهروندی در حوزه محیط‌زیست و عدم وجود آگاهی و دانش سیستماتیک در این زمینه در میان مدیران و تصمیم‌گیران کلان کشوری، یکی از بزرگترین مشکلات و چالش‌ها در این حوزه عبارت است از عدم وجود تصویری گویا از وضعیت فعلی و مقتضیات بهره‌گیری مؤثر از شهروندان در حوزه‌های زیست‌محیطی برای مدیران و تصمیم‌گیران در راستای بهره‌گیری از پتانسیل‌های بالای شهروندان. در این راستا به نظر می‌رسد که تدوین مدل بومی برای نیل به این منظور ضرورت دارد. البته باید توجه داشت که مدل مشارکت در هر کشور بستگی به طرز نگرش مردم نسبت به مشارکت و دیدگاه آن‌ها در مورد دولت دارد؛ برای مثال مردم در کشور ژاپن معتقدند که دولت وظیفه رسیدگی به امور رفاهی و اجتماعی را دارد. از این رو مسئله مشارکت در سازمان‌هایی که ارتباط نزدیکی با حکومت دارند، بیشتر صورت می‌پذیرد. در صورتی که در مردم کشور آمریکا معتقدند که این وظیفه شهروندان است که با مشارکت مستقیم خود به بهبود وضعیت رفاهی و اجتماعی کمک کنند. در نتیجه در سازمان‌هایی مشارکت می‌کنند که مستقل از دولت‌اند و به‌طور خودمختار عمل می‌کنند (حداد، ۲۰۰۶؛ ص ۱۲۲۱).

در جامعه ایرانی نیز برای آنکه خط‌مشی‌های زیست‌محیطی به صورت کامل به مرحله اجرا درآیند، مسائلی مانند قانون‌گذاری، پیش‌بینی ضمانت اجرای مدنی و کیفری، فرهنگ‌سازی و ایجاد بسترهای اجتماعی برای پذیرش و مقبولیت خط‌مشی‌ها بسیار مهم بوده و اجرای آن‌ها را آسان‌تر می‌کنند. قابل ذکر است که پارلمان دارای نقش و جایگاه مهم و تأثیرگذاری می‌باشد؛ زیرا قانون‌گذاری صرف، بدون توجه به بسترهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی موجب تدوین مقرراتی می‌شود که تنها مجموعه‌های قانونی را قاطورتر کرده و اجرای آن را دورتر و ناممکن‌تر می‌نماید. اصولاً قوانینی که برآمده از خواست اجتماعی باشند، شانس موفقیت بیشتری خواهند داشت. از طرفی مهر تأیید پارلمان

^{۲۸} Haddad

به‌عنوان نماینده شهروندان، خط‌مشی‌ها را در شکل قانونی خود، نظم و نسق داده و اقدامات بعدی در اجرای خط‌مشی زیست‌محیطی و ارزیابی و نظارت بر آن‌ها را هموار خواهد کرد (پور عزت، ۱۳۹۷؛ ص ۴۲).

چگونگی مشروعیت‌سازی خط‌مشی در فرآیند اجرای خط‌مشی زیست‌محیطی دارای نقش مهمی در موفقیت اجرا است؛ زیرا اگر مشروعیت خط‌مشی همگام با مقبولیت عمومی باشد، موجب می‌شود که خط‌مشی بدون مقاومت عمومی یا حداقل با کمترین اصطکاک به مرحله اجرا درآید (پور عزت، ۱۳۹۷؛ ص ۱۲).

تضمین مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد باعث اجرای هنجارهای زیست‌محیطی می‌شود؛ در واقع با جایگزینی تدریجی سمن‌ها، بخشی از وظائف اجرائی حاکمیت در پیشگیری جرائم زیست‌محیطی و پیگیری اجرای خط‌مشی‌های زیست‌محیطی به چنین سازمان‌هایی واگذار می‌شود.

همان‌طور که در مطالعات مروری (به‌ویژه مطالعات داخلی) مشاهده‌شده، توجه به ارائه مدل بومی جهت مشارکت شهروندان در خط‌مشی‌گذاری زیست‌محیطی صورت نگرفته‌است. اغلب تحقیقات به تحلیل‌های استنباطی درخصوص متغیرها و فاکتورهای مطالعاتی اشاره دارند؛ در حالی که اهمیت موضوع محدود به بررسی همبستگی میان متغیرها نیست. صرف‌نظر از متغیرها، نیاز به مدلی جامع که مشارکت مؤثر شهروندان در حوزه خط‌مشی‌گذاری عمومی برای مسائل زیست‌محیطی را مورد توجه قرار، دهد ضروری به‌نظر می‌رسد؛ لذا پس از انجام تحلیل محتوای کیفی در پژوهش حاضر، ۵ بُعد و ۴۰ مؤلفه در ۳ دسته عوامل شامل الزام‌آور، بسترساز و تسهیلگر تعیین شد. تشکیل سازوکارها و عوامل مؤثر بر پیاده‌سازی جمع‌سپاری خط‌مشی‌های فرهنگی با رویکرد آینده‌نگر در جدول شماره (۳) قابل مشاهده می‌باشند.

در نهایت با توجه به چالش بزرگ امروز در کشورهای جهان سوم و در حال توسعه مبنی بر حفاظت از محیط‌زیست در کنار توسعه که از مؤلفه‌های مهم عدالت، توسعه پایدار و شکوفایی جوامع در جهان کنونی محسوب می‌شود؛ نکته‌ای که در بسیاری از تحقیقات مشاهده شد، عبارت است از ضعف در بهره‌گیری از مشارکت‌های مردمی برای مداخله در امور مرتبط با محیط‌زیست به دلیل عدم دانش و آگاهی با رویکردهای جدید آموزش‌های محیط‌زیستی. همچنین آموزش نیروی انسانی و ارتقاء آگاهی‌های عمومی نیز دیگر موارد مورد توجه در تحقیقات گسترده این حوزه می‌باشد؛ لذا پرهیز از نگاه محلی محدود به جغرافیا و استان خاص و بهره‌گیری از آموزش‌های پایه و کاربردی در کنار توجه به توسعه پایدار، امری حیاتی و ضروری است تا افق وسیع‌تری جهت تدوین مدل مدنظر به دست آید.

فهرست منابع فارسی

- ارمغان، سیمین (۱۳۹۷). راهبردهای افزایش مشارکت مردمی در ارتقاء شاخص‌های زیست‌محیطی نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان‌های بخش مرکزی ملارد). نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی. دوره ۱۰، شماره ۲، ص. ۱۵۰-۱۳۱.

- اصلی پور، حسین و شریف‌زاده، فتاح (۱۳۹۴). راهبرد خط‌مشی‌گذاری زیست‌محیطی کشور در بستر نظریات متعارف تصمیم‌گیری عمومی. مجلس و راهبرد، دوره ۲۲، شماره ۸۳، ص. ۲۷۲-۲۴۵.
- اصلی پور، حسین؛ زاهدی، شمس‌السادات؛ شریف‌زاده، فتاح و قربانی‌زاده، وجه‌الله (۱۳۹۳). تبیین الگوی بومی تدوین خط‌مشی‌های زیست‌محیطی کشور با استفاده از نظریه داده‌بنیاد. اندیشه مدیریت راهبردی، دوره ۸، شماره ۱، ص. ۶۶-۴۱.
- اسماعیلی فرد، مریم؛ لیاقتی، هومان؛ ساعی، احمد و ملک محمدی، حمیدرضا (۱۳۹۶). چالش‌های دستور کارگذاری محیط‌زیست در ایران. علوم محیطی، ۱۵(۳)، ص. ۱-۱۷.
- بابااوغلی، محمود (۱۳۹۲). بررسی اجمالی بحران محیط‌زیست در ایران حول محور آلودگی هوا و تخریب منابع آب. مجله اقتصادی، ۵ و ۶، ص. ۷۲-۵۹.
- پورعزت، علی‌اصغر؛ باقری، محمدرضا؛ باقری، شهلا و مظاهری، محمدمهدی (۱۳۹۷). تدوین سیستم خط‌مشی‌گذاری فرهنگی آینده‌نگر با استفاده از هم‌افزایی مدل‌ها. راهبرد فرهنگ، شماره ۲۲.
- دای، توماس (۲۰۱۸)، مبانی خط‌مشی عمومی مترجمان غفاری، رحمن، احمدی تنکابنی، مهدی و علیرضا صفرپور، چاپ اول. انتشارات دانشگاه تهران.
- دانایی فرد، حسن (۱۳۹۶). از مدیریت توسعه تا مدیریت توسعه پایدار فصلنامه مطالعات مدیریت بهبود و تحول.
- رهنما و رضوی (۱۳۹۱) تأثیر حس تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی و مشارکت در محلات شهر مشهد. پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی. دوره ۱۷ شماره ۲.
- رحمان پور و همکاران (۱۳۹۷) بررسی نقش آموزش محیط‌زیست جوامع محلی در عملکرد زیست‌محیطی شهروندان محدوده منطقه ۵ تهران. سامانه مدیریت نشریات علمی. دوره ۱۱ شماره ۴۲ زمستان ۹۷.
- رحیمی، محسن و دشتی، سمانه (۱۳۹۲). بررسی نقش مشارکت شهروندان در حفاظت محیط‌زیست شهری (نمونه موردی: شهر تهران)، اولین همایش ملی جغرافیا، شهرسازی و توسعه پایدار، تهران، انجمن محیط‌زیست.
- زاهد زاهدی (۱۳۹۱). مدیریت شهری و تبیین مشارکت اجتماعی شهروندان در شهرداری. پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی. دوره ۴ شماره ۱۲.
- زیاری (۱۳۸۸) مشارکت شهروندی و نقش آن در مدیریت شهری شهرهای کوچک (نمونه موردی: شهرهای گله‌دار، ورزنه و هیدج). جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۱۳.
- حجازی، سید یوسف؛ عربی، فائزه (۱۳۸۷). عوامل مؤثر در جلب مشارکت سازمان‌های غیردولتی در حفاظت از محیط‌زیست. نشریه محیط‌شناسی. دوره ۳۴. شماره ۴۷.
- حسینی و همکاران (۱۳۹۲). پایداری شهری بر بنیان توسعه مشارکت شهروندی در شهر سبزوار. جغرافیا و پایداری محیط. دوره ۳. شماره ۱. بهار ۹۲.

- سلیمانی و همکاران، (۱۳۹۸) بررسی تأثیر مؤلفه‌های دل‌بستگی به مکان بر مشارکت اجتماعی در حفاظت از محیط‌زیست فصلنامه مطالعات علوم محیط‌زیست. دوره ۴ شماره ۱.
- کفاش‌زاده، علیرضا؛ درویش، حسن؛ رسولی، رضا و سنجقی، محمدابراهیم (۱۳۹۶). زمینه‌های مشارکتی مؤثر جهت مشارکت سازمان‌های غیردولتی در فرایند خط‌مشی‌گذاری محیط‌زیستی: مدل‌سازی معادلات ساختاری. آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار، دوره ۵، شماره ۴، ص. ۸۵-۹۷.
- گلدار و همکاران (۱۳۹۶). طراحی چارچوب مفهومی درگیرسازی ذی‌نفعان در خط‌مشی‌گذاری عمومی. مجله نانش حسابرسی. سال هفدهم. بهار ۱۳۹۶ شماره ۶۶.
- محمدی و آزادبخت (۱۳۹۷)، سنجش مؤلفه‌های مشارکت شهروندی در پایداری زیست‌محیطی در منطقه ۲ شهر اهواز، مجله انسان و محیط‌زیست. دوره ۱۶ شماره ۳ پائیز ۹۷ صفحه ۳۷-۵۲.
- محمدی، جمال و همکاران در سال ۱۳۹۲. سنجش و بررسی میزان مشارکت شهروندان در امور شهری و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: شهر سنندج) تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی. شماره ۶۹. پاییز و زمستان ۱۳۹۴.
- منوریان، عباس، گلشن، ابراهیم (۱۳۹۵). مطالعه خط‌مشی عمومی چرخه‌های خط‌مشی و زیر نظام‌های خط‌مشی، چاپ دوم، مهربان نشر.
- ملکی و سروستان (۱۳۹۵). ارزیابی مشارکت شهروندان در خدمات و محیط‌زیست نواحی شهری باغملک. پایگاه مرکز اطلاعات علمی و جهاد دانشگاهی. بهار ۱۳۹۵. دوره ۸ شماره ۲۵.
- می‌بودی، ح، کریم زادگان، ح و خلیل نژاد، م، ۱۳۹۰. یک رهیافت در آموزش محیط‌زیست به کودکان در ایران، مجموعه مقالات اولین همایش ملی آموزش محیط‌زیست تهران.
- هاشمیان و دیگران (۱۳۹۰) پژوهشی به بررسی میزان مشارکت شهروندان در امور شهری و عوامل مؤثر بر آن در بین ساکنان شهر مشهد. دوفصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی. سال دهم. شماره ۱.

فهرست منابع انگلیسی

- Bowen, Glenn A. (2008). An Analysis of Citizen Participation in Anti-Poverty Programs. Community Development Journal, Vol. 43, No. 1, pp. 65-78
- Bradbury & Williams, (2012:2) New Governance: Practices and Processes for Stakeholder and Citizen Participation in the Work of Government. Public Administration Review, Vol. 65, No. 5, pp. 547-558
- Bradbury & Williams, (2012:2) New Governance: Practices and Processes for Stakeholder and Citizen Participation in the Work of Government. Public Administration Review, Vol. 65, No. 5, pp. 547-558

- Barrett, S., & Fudge, C. (1981). Examining the policy-action relationship. Policy and Action: Essay on the Implementation of Public Policy. London: Methuen, ۳۳۴
- Callahan, Kathe. (2007) Citizen Participation: Models and Methods, International Journal of Public Administration, Vol. 30, No. 11, pp. 1179-1196
- Carr, Deborah S. and Halvorsen, Kathleen. (2001). An Evaluation of Three Democratic, Community-Based Approaches to Citizen Participation: Surveys, Conversations with Community Groups, and Community Dinners. Society and Natural Resources, Vol. 14, No. 2, pp. 107-126
- Cooper, T. L. (2005). Civic engagement in the twenty-first century: Toward a scholarly and practical agenda. Public Administration Review, 65(5), 534-535.
- Cornwall, Andrea. And Gaventa, John. (2001) Bridging the Gap: Citizenship, Participation and Accountability. PLA Notes, Issue. 40, pp. 32-35
- Cunningham, William G. (1976). Citizen Participation: Antagonists or Allies. Theory into Practice, Vol. 15, No. 4, pp. 274-283
- Denhardt, Janet. Terry, Larry. Delacruz, Edgar R. and Andonosla, Lubyanka. (2009).
- Barriers to Citizen Participation in Developing Countries. International Journal of Public Administration, Vol. 32, No. 14, pp. 1268- 1288
- Dixon, John. (1975). How Can Public Participation Become Real Public Administration Review, Vol. 35, No. 1, pp. 69-70
- Doamekpor, Francois K, (2004). Civic Engagement and Public Policy Making in America, Public Administration Review, Vol. 64, No. 1, pp. 133-117
- Dye, Thomas, (2016) "Understanding public policy" Library of Congress Cataloging-in-Publication Data Florida State University. -- Fifteenth edition.
- Ebersol, Serge. (2007). Affiliating Participation for Active Citizenship.
- Scandinavian Journal of Disability Research, Vol. 9, No. 3, pp. 237-253
- Fiorino, D. J. (1990). Citizen participation and environmental risk: A survey of institutional mechanisms. Science, Technology, & Human Values, 15(2), 226-243.
- Garrincha's M, Schoser E. 2001, "The structural contexts of civic engagement: Voluntary association membership in comparative perspective" American Sociological Review, Vol 65, Dec.
- Grossberndt, S., & Liu, H. Y. (2016). Citizen participation approaches in environmental health. In Environmental Determinants of Human Health (pp. 225-248). Springer, Cham.
- Guba & Lincoln (1981), Effective evaluation: Improving the usefulness of evaluation results through responsive & naturalistic approaches, San Francisco, Jossey-Bass
- Haddad, Mary A. (2006). Civic Responsibility and Patterns of Voluntary Participation Around the World. Comparative Political Studies, Vol. 39, No. 10, pp. 1220-1242
- Howlett, M. Ramesh. (2009). Studing Public Policy. published in Canada by oxford university press
- INGOs. (2009). Code of Good Practice for Civil Participation in the Decision-Making Process. Adopted by the Conference of INGOs at its meeting. 1st October.

- Inman, Sarah C. (2013). *Fractured Consent: Public Participation in Environmental Complexity*. A Master's thesis of Georgetown University for the degree of Master of Arts in Communication, Culture, and Technology, Washington, DC.
- Komporozos-Athanasidou, A., Fudge, N., Adams, M., & McDevitt, C. (2018). Citizen participation as political ritual: towards a sociological theorizing of 'health citizenship'. *Sociology*, 52(4), 744-761
- Koricheva, J., & Kulinskaya, E. (2019). Temporal Instability of Evidence Base: A Threat to Policy Making. *Trends in ecology & evolution*. 10(7), pp. 137-163.
- Lee, Y., & Schachter, H. L. (2019). Exploring the relationship between trust in government and citizen participation. *International Journal of Public Administration*, 42(5), 405-416.
- Malek, J. A., Lim, S., & Tahir, Z. (2019). UNDERSTANDING THE ISSUES OF CITIZEN PARTICIPATION. *Journal of Nusantara Studies (JONUS)*, 4(1), 1-22.
- Prager, K., & Freese, J. (2009). Stakeholder involvement in agri-environmental policy making—learning from a local-and a state-level approach in Germany. *Journal of environmental management*, 90(2), 1154-1167.
- Portnoy, Kent. (2005). Civic Engagement and Sustainable Cities in the United States, *Public Administration Review*, Vol. 65, No. 5, pp. 579-591.
- Riedel, James A. (1972). Citizen Participation: Myths and Realities. *Public Administration Review*, Vol. 32, No. 3, pp. 211-220
- Roberts, 2004, *Conceptual Modelling for Discrete-Event Simulation*. Boca Raton, FL: Taylor and Francis, pp. 337-354
- Julian, David A. Reischl, Thomas M. Carrick, Richard V. and Katrenich, Cathy, (1997). Citizen Participation-Lessons from a Local United way Planning Process. *Journal of American Planning Association*, Vol. 63, No. 3, pp. 345-355
- Shafritz & Christopher (2008) *Introducing Public Policy*; Longman, New York
- Wu, W. N., & Jung, K. (2016). A missing link between citizen participation, satisfaction, and public performance: evidences from the city and county of San Francisco. *International Journal of Public Sector Performance Management*, 2(4), 392-410.